



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بحث دیروز چند حدیث از پیغمبر صلوات الله علیه و آله درباره ارث خواندیم که فرمودند بعد از من به زودی تبدل و تغییری در مسئله ارث بوجود خواهد آمد و از این موضوع اظهار تاسف می کردند و ما نباید از این به زودی که حضرت فرموده به سادگی بگذریم و عبور کنیم، دو خبر از شیخ در مبسوط خواندیم و عرض کردیم که این دو خبر در جلد ۶ سنن بیهقی نیز ذکر شده اند.

بحث ما در جلد ۱۳ مسالک طبع جدید و جلد ۱۴ ریاض طبع جدید و جلد ۳۹ جواهر طبع جدید مطرح شده است و فقهاء ما نیز این دو حدیث را ذکر کرده اند و اما بحث در توجیه و معنای این دو خبر است که حضرت فرمودند به زودی تبدل و تغییری در ارث بوجود خواهد آمد منظور چیست؟ منظور فتنه هائی بود که بوجود آمد، بعد از پیغمبر اولین چیزی که در آن تبدل و تغیر بوجود آمد همین مسئله ارث بود، حضرت امیر علیه السلام در خطبه شششقیه می فرماید: ﴿فَصَبْرُتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدَى، وَفِي الْحَلْقِ شَجَا، أَرَى تُرَاثِي نَهْبًا﴾^۱، این خطبه شششقیه نشان می دهد که حضرت امیر علیه السلام تا آخر عمر شریفشان ناراحتی داشتند منتهی بخاطر مصالح اسلام صبر می کردند برخی از مغرضین گفتند این خطبه و حتی خود نهج البلاغه را سید رضی جعل کرده و از کلمات خود سید رضی می باشد! اما علامه امینی رضوان الله علیه در الغدير از ۲۶ کتاب از کتب اهل سنت که قبل از تولد سید رضی نوشته شده خطبه شششقیه را نقل می کند، علی ای حال لازم است برای روشن شدن احادیث مذکور کلمات اهل بیت علیهم السلام را بخوانیم.

در کلمات اهل بیت علیهم السلام روایاتی وجود دارد که صاحب وسائل نیز آنها را در جلد ۱۷ و مسائل ۲۰ جلدی در

باب ۳ از ابواب موجبات الإرث ذکر کرده و عنوان باب این است: "وجوب جبر الوالی الناس علی الفرائض الصحیحة".

خبر اول: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَسْتَقِيمُ النَّاسُ عَلَى الْفَرَائِضِ (۱۵۲ مسئله در ارث) وَالطَّلَاقِ (۱۰۲ مسئله در طلاق) إِلَّا بِالسَّيْفِ﴾^۲.

خبر با دو نصفه سندی که کلینی ذکر کرده و به هم پیوند داده سنداً صحیح است بلکه در اعلى درجه صحت قرار دارد.

خبر دوم: ﴿وَعَنْ حَمِيدِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَقُومُ الْفَرَائِضُ وَالطَّلَاقُ إِلَّا بِالسَّيْفِ﴾^۳.

سند حدیث: حمید بن زیاد از اساتید کلینی و مهم است، حسن بن محمد بن سماعة واقفی است ولی ثقه می باشد، عن بعض اصحابه خبر را مرسل به اجماع واسطه می کند، ابراهیم بن محمد بن اسماعیل توثیق نشده، دُرست بن ابی منصور کلمه فارسی هست که به عربی برده و اسم این شخص می باشد که موثق هم می باشد، معمر بن یحیی نیز ثقه می باشد.

خبر سوم: ﴿وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ، عَنِ شَعِيبِ الْحَدَّادِ، عَنِ بَرِيدِ الصَّانِعِ [بِرِيدِ الصَّانِعِ] قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النِّسَاءِ هَلْ يَرِثُنَّ رِبَاعًا؟ (جمع ربع است و ربع به غیر منقول مثل باغ و خانه گفته می شود) فَقَالَ: لَا وَلَكِنْ يَرِثُنَّ قِيَمَةَ الْبِنَاءِ قَالَ: فَقُلْتُ: فَانَ النَّاسُ لَا يَرِثُونَ بِهَذَا قَالَ: فَقَالَ: إِذَا وَلِينَا فَلَمْ يَرْضِ النَّاسُ بِذَلِكَ ضَرِينَاهُمْ بِالسُّوْطِ فَإِنَّ لَمْ يَسْتَقِيمُوا ضَرِينَاهُمْ بِالسَّيْفِ﴾^۴.

۲

[وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۱۹، ابواب موجبات الإرث، باب ۳،](#)

[حدیث ۱، ط الإسلامیة.](#)

۳

[وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۱۹، ابواب موجبات الإرث، باب ۳،](#)

[حدیث ۲، ط الإسلامیة.](#)

۴

[وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۱۹، ابواب موجبات الإرث، باب ۳،](#)

[حدیث ۳، ط الإسلامیة.](#)

^۱ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۹، خطبه شششقیه.

تا شعیب الحداد سند خوب است اما برید الصانع توثیق نشده. این بحث زمانی بوجود آمد که آن دو نفر (پدر عایشه و پدر حفصه) را بردند در خانه پیغمبر و کنار حضرت دفن کردند با اینکه ما می گوئیم زن از اصل خانه ارث نمی برد خب حالا چطور می شود این مطلب را درست کرد؟! حالا بعدا بیشتر توضیح خواهیم داد.

وقتی که خواستند حضرت مجتبی علیه السلام را دفن کنند عایشه سوار بغل (استر) شد آمد و گفت نمی گذارم او را در خانه پیغمبر دفن کنید، ابن عباس به او گفت: "تجملت تبغلت و لو عشت تفیلت / لك التسع من الثمن و فی الكل تصرفت" یعنی ای عایشه روزی سوار شتر شدی (جمل)، روز دیگری هم قاطر سواری شدی، اگر بمانی، سوار فیل هم خواهی شد! تو از هشت یک ارث خانه پیغمبر، يك نهم می بری، ولی همه را تصرف کردی!، قران فرموده اگر میت ولدی داشته باشد یک هشتم از مالش برای همسرش است و شکی نیست که پیغمبر فاطمه زهراء سلام الله علیها را داشته لذا عایشه فقط یک هشتم ارث می برد و از طرفی پیغمبر نه همسر داشت لذا باید یک هشتم را بین نه نفر تقسیم کنند که می شود ۷۲ سهم و عایشه اگر درست بگوید یک هفتاد و دو از خانه پیغمبر سهم دارد و خانه حضرت نیز بسیار کوچک بوده و طبق این تقسیم مذکور عایشه و حفصه سهم بسیار کوچکی از خانه پیغمبر داشته اند اما چندین متر را گرفته و پدرانشان را در آنجا دفن کرده اند! و از طرفی عایشه از دفن امام مجتبی علیه السلام در خانه پیغمبر جلوگیری کرد البته خود امام مجتبی علیه السلام وصیت کرده بود که خونریزی نشود.

در تمه مطلب خبری را از بحار نقل می کنیم، خبر این است: ﴿اقول: قال السید فی کتاب الفصول: أخبرني الشيخ أدا الله عزه مرسلا قال: مر الفضال بن الحسن بن فضال الكوفي (از اصحاب بزرگ امام صادق و ائمه علیهم السلام بوده که بسیار حاضر جواب بوده) بأبي حنیفة وهو فی جمع كثير یملي عليهم شینا من فقهه وحديثه، فقال لصاحب كان معه: والله لا أبحر أو أخجل أباحنیفة، قال صاحبه: إن أباحنیفة ممن قد علت حاله وظهرت حجته، قال: مه هل رأيت حجة كافر

علت علی مؤمن؟ ثم دنا منه فسلم عليه فرد ورد القوم السلام بأجمعهم، فقال: يا أباحنیفة رحمك الله إن لي أخوا يقول: إن خیر الناس بعد رسول الله علي بن أبي طالب، وأنا أقول: إن أبابکر خیر الناس وبعده عمر، فما تقول أنت رحمك الله؟ فأطرق مليا ثم رفع رأسه فقال: كفي بمكانهما من رسول الله کرما وفخرا، أما علمت أنهما ضجیعا في قبره، فأی حجة أوضح لك من هذه؟ فقال له فضال: إني قد قلت ذلك لآخي، فقال: والله لئن كان الموضع لرسول الله دونهما فقد ظلما بدفنهما في موضع ليس لهما فيه حق، وإن كان الموضع لهما فوهباه لرسول الله فقد أسأآ وما أحسا إذر جعا في هبتهما ونكنا عهدهما، فأطرق أبوحنیفة ساعة ثم قال له: لم يكن له ولا لهما خاصة، ولكنهما نظرا في حق عائشة وحفصة فاستحقا الدفن في ذلك الموضع بحق ابنتيهما، فقال له فضال قد قلت له ذلك فقال: أنت تعلم أن النبي مات عن تسع حشایا، ونظرنا فإذا لكل واحدة منهن تسع الثمن، ثم نظرنا في تسع الثمن فإذا هو شبر في شبر فكيف يستحق الرجلان أكثر من ذلك؟ وبعد فما بال حفصة وعائشه ترثان رسول الله وفاطمة بنته تمنع الميراث؟ فقال أبوحنیفة: يا قوم نحوه عني فإنه والله رافضي خبیث^۵.

اینها شواهدی بودند بر این مطلب که متاسفانه بعد از پیغمبر صلوات الله علیه و آله چقدر در مسئله ارث تبدل و تغیر بوجود آوردند.

بحث دیگری که بعدا توضیح خواهیم داد این است که قران و پیغمبر و اسلام تحول عظیمی در مسئله ارث بوجود آوردند زیرا در روم و یونان و میان اعراب ارث به این کیفیت نبود بلکه ارث را به رئیس قبیله می دادند و به زنها و بچه ها ارث نمی دادند که بعدا مطالبی را در این رابطه به عرض خواهیم رساند إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهیرین

^۵ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۰، ص ۲۳۱، حدیث ۲، ط دارالاحیاء التراث.